



AET2
Asian and Middle Eastern Studies Tripos, Part II

Tuesday 2 June 2015 9 to 12:00 pm

Paper MES35

Advanced Literary Persian

Answer **two** questions from **Section A** and **one** question from **Section B**. All questions carry equal marks.

Write your number **not** your name on the cover sheet of **each** answer booklet.

STATIONERY REQUIREMENTS

20 page answer booklet
Rough Work Pad

SPECIAL REQUIREMENTS TO BE SUPPLIED FOR THIS EXAMINATION

None

You may not start to read the questions printed on the subsequent pages of this question paper until instructed to do so.

SECTION A

Choose two of the following for translation and analysis.

1 Translate the following **seen** passage of **classical Persian** poetry into **English**, and analyse it by a) giving the scansion of **one** of the bayts of the poem, and b) discussing Rumi's use of paradox in the poem.

هم آگه و هم ناگه مهمان من آمد او	دل گفت که: " کی آمد؟" جان گفت: " مه مه رو"
او آمد در خانه، ما جمله چو دیوانه	اندر طلب آن مه، رفته بمیان کو
او نعره زنان گشته از خانه که اینجایم	ما غافل ازین نعره، هم نعره زنان هر سو
آن بلبل مست ما بر گلشن ما نالان	چون فاخته ما پران فریاد کنان کو
در نیمشبى جسته جمعى که چه؟ دزد آمد	وان دزد همى گوید "دزد آمد" وان دزد او
آمیخته شد بانگش با بانگ همه زان سان	پیدا نشود بانگش در غلغله شان یک مو
وَ هُوَ مَعَكُمْ* یعنی با تست درین جُستن	آنگه که تو می جویی هم در طلب او را جو
نزدیکترست از تو با تو، چه روی بیرون	چون برف گدازان شو، خود را تو ز خود می شو
از عشق زبان روید جان را مثل سوسن	میدار زبان خامش، از سوسن گیر این خو

* « He is with you »

Rumi, *Divan-e Shams*, Ghazal no. 2172, ed. Furuzanfar, vol. 5, p. 37.

2 Translate the following **seen** passage of **classical Persian** poetry into **English** and analyse it by a) identifying the metre and b) discussing the way in which Hafez has played with religious and mystical themes in this poem.

دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند گل آدم بسرشتند و به پیمانہ زدند

ساکنان حرم ستر و عفاف ملکوت با من راهنشین باده مستانه زدند

آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعہ کار به نام من دیوانہ زدند

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانہ زدند

شکر آنرا که میان من و او صلح افتاد حوریان رقص کنان ساغر شکرانہ زدند

آتش آن نیست که بر شعلہ او خندد شمع آتش آن است که در خرمن پروانہ زدند

کس چو حافظ نکشید از رخ اندیشه نقاب تا سر زلف سخن را به قلم شانہ زدند

Divan-e Hafez, ed. Khanlari, no. 179, p. 374.

(TURN OVER)

3 Translate the following passage of **seen** classical **Persian** prose into **English**, and analyse it by discussing aspects of the rhetoric employed by Maybudi in this passage.

نام خداوندی نکو نام در هر نام، و ستوده به هر هنگام، ستوده خود بی ستاینده، و بزرگ عزّ بی پرستش بنده. خداوندی حکیم راست دان، علیم پاک دان، مهربان کاردان، بخشاینده روزی رسان. خداوندی که در آمد هر چیز از وی و باز گشت همه چیز با وی، نه کسی منازع با وی، نه دیگری غالب بر وی، قوام هفت آسمان و هفت زمین به داشت وی. کار آن به حکم وی، تدبیر آن به علم وی، غالب بر آن امر وی، نافذ در آن مشیت وی، داشت آن به حفظ وی، توان آن به عون وی؛ پادشاهی که از حال رهی آگاه است، و رهی را نیک پشت و پناه است، خود دارنده و خود سازنده، که خود کردگار و خود پادشاه است. آفریننده و رواننده آفتاب و ماه است، روشن کننده دل‌های سیاهست، خداوندی که یاد وی راحت روح است و آسایش دل مجروح است؛ اسرار عارفان به یاد وصال وی مشروح است، ارواح عاشقان گوی وار در خم چوگان ذکر وی مطروح است. ای رادمرد، چند که در خوابی؟ بیدار شو که وقت صباح است، و گر در خمار شرابی هین که پرتو حق صبوح است.

آفتاب آمد ای نگارین دیرست گر بر سر تو نتابد از ادبارست

دریغا که از همه جانب به ساحت حق راه است و هیچ رونده نه، بستان عزّت پر ثمار لطایف است و خورنده نه، همه عالم پر صدف دعوی است و یک جوهر معنی نه، همه عالم یوسف دلبراست و یعقوب دلشده نه:

مرد باید که بوی داند برد ورنه عالم پر از نسیم صباست

Rashid al-Din Maybudi, *Kashf al-asrar*, Tehran, 1955-9, vol. 6, p. 492.

4 Translate the following passage of **seen** classical **Persian** prose into **English**.
Discuss ways in which the prose in this extract resembles and differs from the mystical prose of Maybudi and Sam'ani.

الطاف الوهیت و حکمت ربوبیت به سرّ ملایکه فرو میگفت: " ائی اعلم ما لا تعلمون " * شما چه دانید که ما را با این مثنوی خاک از ازل تا ابد چه کارها در پیش است؟

عشقی است که از ازل مرا در سر بود کاری است که تا ابد مرا در پیش است

معذورید که شما را سر و کار با عشق نبوده است. شما خشک زاهدان صومعه نشین حظایر قدس اید، از گرم روان خرابات عشق چه خبر دارید، سلامتیان را از ذوق حلاوت ملامتیان چه چاشنی؟

درد دلخسته دردمندان دانند نه خوش منشان و خیره خندان دانند

از سرّ قلندری تو گر محرومی سرّی است در آن شیوه که رندان دانند

روزکی چند صبر کنید تا من برین یک مشت خاک دستکاری قدرت بنمایم، و زنگار ظلمت خلقت از چهره آینه فطرت او بزدایم، تا شما درین آینه نقشهای بوقلمون بینید. اول نقش آن باشد که همه را سجده او باید کرد.

پس از ابر کرم باران محبت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد، و به ید قدرت در گل از گل دل کرد.

از شبم عشق خاک آدم گل شد صد فتنه و شور در جهان حاصل شد

سر نشتر عشق بر رگ روح زدند یک قطره فرو چکید، نامش دل شد

جمله ملاء اعلی کرّوبی و روحانی در آن حالت متعجب وار می نگریستند، که حضرت جلت به خداوندی خویش در آب و گل آدم چهل شباروز تصرف میکرد و چون کوزه گر که از گل کوزه خواهد ساخت آن را به هر گونه میمالد و بر آن چیزها میندازد، گل آدم را در تخمیر انداخته که "خلق الانسان من صلصال کالفخار" ** و در هر ذره ای از آن گل دلی تعبیه میکرد، و آن را به نظر عنایت پرورش میداد و حکمت با ملایکه میگفت: شما در گل منگرید در دل نگرید.

گر من نظری بسنگ بر بگمارم از سنگ دلی سوخته بیرون آرم

* « Verily I know that which you do not know »

** « He created man from dry clay, like the potter's »

Najm al-Din Razi Daya, *Mirsad al-ibad*, ed. Riyahi, Tehran, 1973, pp. 71-2.

(TURN OVER)

SECTION B

Answer **ONE** of the following essay questions.

1. Compare and contrast discussions of love in the *Kimiya-i sa'adat* of Muhammad Ghazali and the *Sawanih* of Ahmad Ghazali. How do the overall aims of these two authors impact on the style and content of their expositions of the subject?
2. Richter-Bernburg has stated: 'The choice of language is nearly always based on practical grounds only: to further circulation and reach the widest possible audience.' Discuss this statement with reference to one or more of the Persian prose works you have studied.
3. How do Sufi authors of the period you have studied understand the nature of Adam (i.e. the human being) and the events surrounding his creation?
4. To what extent can it be said that earlier writers and poets of the 'school of mystical love' paved the way for Hafez?

END OF PAPER